

تاریخ بیان وقایع گذشته است

که توسط فرشتگان و ملائک آسمان تحریر نمی شود.

جوان های عزیز تحصیل یافته، بقایای نسل جوان و بجا مانده احزاب متهم به خرابکاری، علاقمند به تعیین سرنوشت. این قلم آزاد و قربانی شده نسل سوخته، نکاتی را با شما نیرو های بالنده و آینده ساز؛ در حالی شریک میسازم که نه دیروز نه امروز و نه فردا با دولت های متکی به بیگانه حتی یک روز منحصت مامور دولت همکار نبوده ام و آرزوی دست یافتن به قدرت را ندارم. بناءً نیازی نیست که به دولت های ضد مردمی در ۴ دهه اخیر، خوشبینانه یا توام با حُب و بُغض برخورد نمایم. چه شد مدعیان حکومت فارغ از طبقه؟! اسلام بدون مرز و نظام دیموکراتیک؟! متکی به بی ۵۲!

حق داده میشود، یا گرفته میشود. به کدام معیار و بکدام اصل که به اکثریت قاطع ملت تحت ستم و بشریت آزادیخواه قابل قبول باشد. آیا آزادی و استقلال طلبی در جهان، بخصوص کشور های عقب نگذاشته شده همان تعریف قرن ۱۹ را دارد؟ با سقوط رژیم شاهی در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ دست مردم عام به سیاست کشور باز شد. به اساس آمار و ارقام ارائه شده در سال ۱۳۵۷ - ۹۷ فیصد جامعه را فاقد سواد معرفی نمودند. این در شرایطی بود که عمدتاً بازار ایدیولوژی های وارده چپ؛ طرفدار شوروی، طرفدار چین و اسلام سیاسی، نسبت به چند تشکل سیاسی دیگر اندیش؛ بین اقشار باسواد و بیدار جامعه؛ فعالیت و تلاش بیشتر داشتند.

با کودتا ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی؟! آن ۶ جدی قوای تا به دندان مسلح اتحاد شوروی، کشور را اشغال و این قشر به اصطلاح باسواد و پیشتاز جامعه، عمدتاً به سه بخش منقسم و در تقابل هم قرار گرفت. تازه به دوران رسیده ها "طبقه حاکمه طرف دار اتحاد شوروی کبیر؟! " خلع قدرت شده ها از طبقه حاکمه، نسبتاً مردمان منور، متمول، عده از شخصیت های مسلمان اما ملی گرا، مخالف نظام سوسیالیستی، تحصیل یافته های طرف دار غرب و تعلیم یافته های نهضت اسلامی؛ تقسیم شدند. به دلیل عمده شدن جنگ رویا رو با قوای اشغالگر و حکومت دست نشانده، مهاجرت های تحمیلی، شعار کفر و مسلمان، بازار سیاست را به نفع نهضت اسلامی در هجرت (پاکستان و ایران) گرم ساخت. بناءً تحصیل یافته ها، قشر منور و ملی گرایی ضد نظام کفری توسط استخبارات پاکستان، ایران و احزاب اسلامی، ترور، اختطاف، زندان، در انزوا قرار دادن و وادار به مهاجرت های مجدد و اجباری گردیدند. که تا فعلاً با تمام صداقت و عشق بوطن قابل قبول غاصبین زورگوی فاقد سواد و دشمنان وطن نمی باشند.

دو طرف باقیمانده "رهبران دولت کابل" و "رهبران پشاور، مشهدی" توسط بیرونی ها در محور سیاست؛ قرار داده شدند.

اما در اثر ندانمکاری، کور خواندن سیاست غلط و تجاوزکارانه رهبران حزب کمونست شوروی و افغان، برخورد ضد فرهنگی، صدور فرامین عجولانه غیر عملی، اختلافات درون حزبی خلق، پرچم، زندان نمودن ها، به شهادت رسانیدن ها، توهین، تحقیر، تعقیب، عملیات و بمب باران های کور و ظالمانه مردم فقیر، دشمن خواندن همه مخالفان سیاسی بنام اشرار و نوکر امپریالیزم خطاب نمودن؛ باعث شد که مردم آزاده مسلمان اعم از باسواد و کم سواد، دهقان کار و اهل کسبه، علیه دولت دست نشانده در حالی وادار به دست بردن اسلحه و قیام شوند که اکثریت مردم از امپریالیسم چیزی نمی دانستند. این قیام ها، بدون شک به نفع رهبران نهضت اسلامی تمام شد.

اما سوگمنده استخبارات کشور های منطقه با حمایت رقیب جهانی کمونیسم، در ائتلاف وسیع با استفاده از دین داری و شهادت ملت شجاع و آزادیخواه افغانستان ۷ + ۸ تنظیمی را در پشاور و مشهد خلاف منافع علیای کشور و دینداری ملت مجاهد، برآه انداختند، افتراق بزرگ بین ملت واحد افغانستان با همکاری رهبران خود ساخته جهاد بوجود آوردند. که تا ایندم ملت از شر شان رهایی نیافته است.

رهبران افغان، خارج از پرنسپ های قبول شده جهانی؛ به اصطلاح سیاست می نمایند.

چرا رهبران سیاسی از صداقت و حمایت ولینعمت خارجی خویش در هیچ نظام سیاسی "سوسیالیستی، اسلامی و سرمایه داری" بشکل دوامدار بهره مند شده نتوانستند؟

به بلور این قلم و گواه تاریخ در ۴۰ سال گذشته رهبران؟! خود ساخته کشورهای مداخله گر، اکثریت شخصیت های سیاسی افغان را فاقد التزام به منافع ملی کشور شان، خطوط فکری ادعا شده، صداقت به حزب و اعضای منسوب به آن در یافتند، بناءً تعقیب منافع ملی کشور مداخله گر، رهبر؟! ساخته شده سیاسی و تحمیلی افغان را جهت منافع شخصی خودش، علیه منافع علیای کشور ما که به هیچ اصولی پایبند نبود، خلاف اراده مردم، انتصاب و تحمیل نمودند؛ از ماست که بر ماست.

آیا سیاسیون ما از گذشته خونبار تاریخ کشور و رهبر کُشی ها چیزی آموخته اند؟

تقابل انتخابات؟! ۱۱ ماه قبل دو رهبر طرف اعتماد غرب، سینه کُشی و ادعای بزور غصب نمودن کرسی رهبر؟! در ارگ، نمایش نامه های مضحک زیر خیمه لویه جرگه، بیانات آتشین غیر سیاسی، تهدید بدماشان سیاسی، پاره نمودن عکس کرسی در

حضور متحد؟! سیاسی شان "محمود کرزی" و . . . سپری شدن ۱۱ ماه حکومت داری فاقد وزیر دفاع، والیان سرپرست، اختلاف در تعیین اعضای کمیسیون انتخابات، توزیع تذکره الکترونیک، عدم سیاست یک دست در قبال کشور همسایه پاکستان و کشور های دیگر، صلح موعده، نتایج منفی و اشتباه آمیز پیمان امنیتی، تبادل اطلاعات با استخبارات پاکستان و . . . حکومت ۰۵۰ فیصد، ملت مظلوم و اسیر را گنج و وادار به فرار از وطن به ناکجا آباد نموده است.

تداوم دولت دست نشاندۀ متفرق و بخود گرفتار که در نتیجه انتخابات؟! رهبر برنده و بازنده نداشت، در مقابل خود اپوزیسیون مسلح نیز دارد. سرنوشت و سردرگمی این نیرو های مسلح، پس از ۱۳ سال مقاومت علیه قوای ائتلاف و دولت کابل، درد آورتر از قصر نشینان کابل است. در ظاهر امر رهبر طالبان دوسال ۶ ماه قبل توسط کشور حامی و میزبان در بدل پول بشکل مرموز در پاکستان از بین برده شده، اما پیش برد جبهات جنگ، تائید مذاکرات صلح، پیام ارسالی عید و . . . زیر نام ملا محمد عمر آخذ در ظاهر امر به پیش برده میشود؟ جا نشین امیرالمومنین در کشور میزبان طی جلسات تعیین گردید. قرار مسموع اخبار نشر شده در مطبوعات جهان حاکی از آنست که جانشین، طرف تأیید اکثریت طالبان شناخته شده افغان نیست. برخورد های مسلحانه بین طرفداران ملا محمد عمر مجاهد و جانشین وی آغاز گردیده است. اما کشور میزبان عکس خبر را در حالی تأیید میدارد که گویا هیچ نقشی در زمینه از گذشته تا الحال نداشته و ندارد.

راه بیرون رفت و پیشنهاد مشخص به دولت دومنزلۀ افغانستان، مخالفان مسلح طالبان و . . . !

خوانندۀ وطن دوست، اسیر، متفرق و فارغ از زد و بند ها که عاشق وطن و آزادی از دست زورمند ها استید چه میتوان کرد؟ به باور این قلم وظیفه شما افغان هاست که راه حل را باید دریابید، نباید انتظار معجزه، ترحم زورمند داخلی یا خارجی بود. این من و تو و فرزندان و عزیزان ماست که هر روز در گوشه و کنار جاده ها با انتحار، انفجار و عملیات های دولت، اربکی و قوای خارجی به خاک سیاه نشسته و به ماتم یک دیگر می سوزیم.

۱ : - بلا استثنا شخصیت و اعتبار همه رهبران و رده های بلند سیاسی افغانستان زیر سوال قرار دارد. وابستگی های آشکار خارجی شان ثابت است. همه به اتهامات مشهود و انکار پذیر متهم استند.

۲ : - مهار نمودن و گزار از بن بست موجود به تنهایی در توان هیچ یک از اقوام، سمت، زبان، مذهب، حزب، تنظیم و تحریک نمی باشد.

۳ : - تداوم حاکمیت نا مشروع زورمند ها در تقابل قراردادن اقوام و سوء استفاده از آدرس شان دیگر بازار ندارد.

۴ : - پیام ما به همه فرزندان وطن، چه عالم دین، چه منسوب به دولت، قوم، زبان، سمت، مذهب، حزب، تحریک و نهاد سیاسی، اجتماعی، مدنی و . . . این است: تا چه زمانی تیکه دار های اسلام و قوم علیه ملت مسلمان ما استفاده ابزاری می نمایند؟ وظیفه شما در رابطه چیست؟ مردم مسلمان ما با دین مبین اسلام مشکل ندارند؛ مشکل تیکه دار جعلی دین فروش، قوم فروش، زبان فروش، خاک فروش حتی خود فروش است.

۵ : - مدافعان رئیس جمهور، رئیس اجرائیه، طالبان و . . . از جان و مال مردم اسیر و متفرق چه می خواهید؟

۶ : - آیا میدانید، چرا تعریفی واحد از دوست و دشمن ارائه کرده نمی تواند؟

۷ : - آیا میدانید که به اصطلاح دوستان شما همزمان دوستان دشمنان شما نیز استند؟ جواب کاملاً روشن است. آنها وطن دوست می باشند و منافع ملی دارند، پیوسته برای تعقیب منافع خود تغییر موقف میدهند با تأسف تا فعلاً شما فاقد چنین صفت می باشید.

۸ : - به دوست و دشمن ملت و خاک باید تعریف افغانستان شمول و واحد داده شود. آیا دوست غربی، وطن دوست و دوست پاکستانی یا کشور . . . دشمن است؟ چگونه دوست غربی و متحد تان، دشمن پاکستانی تانرا تمویل، تجهیز و حمایت می کند؟

۹ : - آیا میدانید که غرب بدون پاکستان و راه بحری در افغانستان امکان پیروزی و اقبالی ندارد؟

۱۰ : - آیا ممکن است با غرب دوست و با پاکستان دشمنی نمایند؟ شما باید در انتخاب تان دقت و به یک اجماع ملی از قبل می رسیدید. برخورد مذذب و تردد از آغاز هجوم و حضور قوای ائتلاف شما سیاسیون متکی به بیرون در بدل پول و امتیاز هم به میخ و هم به نعل کوفته، ملت و کشور را به قهقرا و تحویل مافیای کشور، منطقه و جهان نمودید.

۱۱ : - آیا میدانید داعش؟! در کنار طالب و دشمن طالب هر دو ارسالی پاکستان همزمان یعنی چه؟

۱۲ : - آیا میدانید که امریکا به دفاع از خود، ائتلاف جهانی ایجاد کرد و جهت بر چیدن لانه های تروریسم به افغانستان حضور پیدا نمود. اما پاکستان منبع تربیت تروریسم تا حال صرف از اضلاع متحده امریکا بیش از مبلغ ۱۳ میلیارد دالر جهت همکاری با ائتلاف، مبارزه؟! علیه افراطیون اخذ نموده است؟ آیا میدانید که ملای پاکستانی در بدل اخذ دالر فتواه جهاد علیه مردم ما صادر می نمایند و رهبر طالبان را در بدل پول به شکل مرموز از بین میبرد. قوماندان های سرشناس شان که به صلح و افغان بودن باوردارند، زندان و زنجیر پیچ، شکنجه می نمایند و صوف شانرا برای کشتن خارجی و افغانها میفرستند؟ شما دولتی ها از این

افغان کثی بهره برداری سیاسی نموده و در دل برای تداوم نامشروع تان شادی می نمایید؟ زیرا فرزند و فامیل شما بدون قطار های زرهی و بادبگارد ها گشت و گذار ندارند.

۱۳: - آیا میدانید که افغانستان عضوه جامعه بین المللی است و حق مساوی دارد تا از مداخلات پاکستان و دیگر کشور های مداخله گر به همان شورای امنیت که اجازه حمله جهت بر چین تروریزم را صادر نموده و تا هنوز لانه هایش در پاکستان فعال است، چرا دولت دو منزله از حق مشروع مردم دفاع نمی کند؟ گروه تازه؟! تشکیل و منفور ترین چهره ها که اعلام مجودیت؟! نموده، مراجعه به شورای امنیت ملل متحد را بی ارزش میدانند؟ ملت افغانستان که با ملت پاکستان دشمنی ندارد. اما دولت ها باید مشکلات سیاسی خود را صلح آمیز از این طریق حل سازند. این حق دولت افغانستان کاملاً محفوظ است.

۱۴: - آیا میدانید کشور پاکستان و . . . در کنار مجاهد، طالب و امروز پس از بر داشتن ملا عمر آخذ، داعش تولید نمودند، که هیچ ریشه و پیوند با افغان و افغانستان ندارد، دولت پاکستان در زمینه نقش قاطع دارد؟ منظور چیست، نقش متحدین سیاسی افغانستان، بخصوص امریکا چیست؟ آیا در زیر ریش امریکا، بریتانیا، پاکستان دست نگر و محتاج، چنین توانایی را دارد؟

۱۵: - آیا میدانید که قبل از تفاهم بین الافغانی و ایجاد بدیل بهتر، که جواب گوی نیاز مندی ها و توان رهبری را داشته باشد؛ سقوط دولت دومنزله صعب العلاج و فاسد، با تعویض یک نور چشمی دیگر؛ مشکل ملت اسیر را مشکل تر می سازد؟

۱۶: - ملت مسلمان و آزادیخواه افغانستان هیچ زمانی قصد دشمنی با جهان را نداشت، سیاست همزیستی مسالمت آمیز را تعقیب نموده و گریزان از هر نوع افراط گرایی می باشد.

ملت نجیب، داغدار، متضرر و اسیر زورمند ها به لحاظ خدا از حمایت آزمون شده دست بردارید.

راه بیرون رفت و پیشنهاد مشخص به دولت دومنزله افغانستان، مخالفان مسلح طالبان و . . . !

اگر شما واقعاً به افغانستان، خانه مشترک همه اتباع هندو و مسلمان کشور، باوردارید، رسیدن به قدرت و صلح باور دارید و به حفظ افغانستان التزام دارید. از کشتن مردم بیگناه و بی دفاع دست بردارید. بهتر است همه طرف ها همزمان " دولت افغانستان، مخالفان مسلح طالب و . . . " با تمام روابط و امکاناتی بیرونی که دارید، برای صلح عادلانه که قابل قبول همه باشد، باید به ملل متحد، شورای امنیت آن سازمان، اتحادیه اروپا، کنفرانس کشور های اسلامی، کشور های ذی نفوذ در حل قضیه افغانستان و مشخص از ۵ قدرت برتر جهان + ۱، مراجعه و تقاضا صورت گیرد که: دفاتر سیاسی با ضمانت های ملی و بین المللی به مخالفین مسلح درکابل ایجاد و همزمان آتش بس صورت گیرد. کار مشترک برای مرحله دوم که عبارت از گفت و گو بین الافغانی میباشد آغاز شود. با مساعد شدن این مرحله تمام موانع که شخصیت های زورمند و تحت تعقیب و پیگرد امریکا، ناتو بتوانند در جلسات مشترک تحت سرپرستی و میزبانی ملل متحد به اشتراک نماینده های ۵ قدرت + ۱، حضور یابند، برداشته شود. تا مراحل بعدی به پیش برده شود. درچنین شرایطی بدون شک نامنی و کشتار ملت اسیر افغان قطع می گردد.

سوال برانگیز است که در حضور قوت های ائتلاف ناتو و امریکا، پاکستان بتواند که داعش؟! در افغانستان نفوذ و جای پایابد. چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد. به باور این قلم ملت یکپارچه افغانستان شایسته دوستی با جهان و دولت های متمدن جهان بوده، خواهان دوستی و همکاری متقابل با همسایه ها در منطقه و جهان میباشد. این آرزومندی زمانی برآورده خواهد شد که قبل از همه مدعیان وطن دوست با تحمل، هم دیگر پذیری و عاقبت اندیشی وحدت عمل و نظر را ثابت سازند که افغان اند و آزادی خواه. هیچ آجدای افراطی در افغانستان و خارج از سرحدات خود ندارند.

پابنده باد افغانستان یکپارچه، آزاد، مترقی و سربلند.

پایان

میر عنایت الله آشفته